

سلام بر دوستان عزیز

با توجه به اهمیت دانستن ترجمه لغات عربی برای یادگیری و درک بهتر متون کتاب درسی دهم بر آن شدم تا این کتاب را برای شما دوستانم بنویسم تا دیگه با خواندن و مشکلاتی ازین قبیل کنار بیاید.

کتاب پیش روی شما واژگان سطر به سطر کتاب درسیتون اعم از صورت درس، گفتگوها، تمارین، انوارالقرآن و حتی مباحث علمی پایان هر درسه که تو هیچ کتاب دیگه ای به این کاملی نیست امیدوارم از خواندن این کتاب لذت ببرید.

من الله توفیق

زمستان ۹۵



٠٠٩	الدَّرسُ الأوَّلُ ذاك هو الله
٠٢٣	الدَّرسُ الثَّاني المِوَاعِظُ العَدَدِيَّةُ
٠٣١	الدَّرسُ الثَّالثُ مَطَرُ السَّمَكِ
٠٤٣	الدَّرسُ الرَّابِعُ التَّعايشُ السَّلميُّ
٠٥٣	الدَّرسُ الخامِسُ هِذا خَلَقَ اللهُ
٠٦٥	الدَّرسُ السَّادِسُ ذِوا القَرَنِيْنَ
٠٧٧	الدَّرسُ السَّابعُ يا مَنْ في البِبحارِ عِجائِبُهُ
٠٨٧	الدَّرسُ الثَّمانينُ صِناعَةُ التَّلْمِيْعِ في الأَدبِ الفارِسيِّ
٠٩٩	مِتْصادُومِتْرادِف



## ذَاكَ

ذَاكَ	آن	صَارَتْ	گرديد
أُنْظُرْ	بنگر	فَابَحَثْ	جستجو کردن
ذَاتِ	دارای (صاحب)	قُلْ مَنْ	بگو چه کسی
الْفُضُونِ	شاخه ها	ذَا	این
النَّصْرَةَ	تازه	يُخْرِجُ	بیرون می آورد
نَمَتْ	رشد کرد	الثَّمَرَةَ	میوه
حَبَّةٍ	دانه ای	جَذْوَةَ	پاره آتش

مرواریدها	<b>الدُّرَّرُ</b>	فروزان	<b>مُسْتَعْرَةٌ</b>
پخش شده	<b>المنتشرة</b>	روشنایی	<b>ضیاءٌ</b>
ابر	<b>الغَیم</b>	با آن	<b>بها</b>
نازل کرد	<b>أَنْزَلَ</b>	پدید آورد	<b>أَوْجَدَ</b>
باران	<b>مَطَرٌ</b>	پاره ی آتش	<b>الشررة</b>
گردانید	<b>صَيَّرَ</b>	نعمت ها	<b>أَنْعَمَ</b>
تیرگی	<b>إِغْبِرَار</b>	ریزان	<b>مُنْهَمِرَةٌ</b>
سرسبز	<b>خَضِرَه</b>	دارای	<b>ذو</b>
آدمی	<b>الْمَرءِ</b>	کامل	<b>بالغة</b>
شکافت	<b>سَقَّ</b>	نیروی	<b>قُدْرَةٍ</b>
چشم را	<b>بَصَرَه</b>	پرتوان	<b>مُقْتَدِرَه</b>
مجهز کرده	<b>جَهَّزَ</b>	پس چه کسی	<b>فَمَنْ</b>
اندیشه گر	<b>مُفْتَكِرَه</b>	آراست	<b>زَانٌ</b>
ریزان	<b>مُنْهَمِرَه</b>	ستارگان	<b>أَنْجَمٌ</b>

## حوارات

### گفت و گوها

تا به حال	حَتَّى الْآنَ	التعارف	..... آشنایی با یکدیگر
متأسفانه	مَعَ الْأَسْفِ	مطار	..... فرودگاه
ولی من	لَكِنِّي	أَحَدُ	..... یکی
دوست دارم	أَحَبُّ	الموظفين	..... کارمندان
مسافرت کنم	أَنْ أُسَافِرَ	قاعة	..... سالن
اگر خدا بخواهد	إِنْ شَاءَ اللَّهُ	أخى	..... برادرم
مسافرت می کنی	تُسَافِرُ	سُرور	..... خوشی
به امید دیدار	إلى اللقاء	كيف	..... چگونه (چطور)
به سلامت	مَعَ السَّلَامَةِ	حالك	..... حال تو
خداحافظ (در امان خدا)	فِي أَمَانِ اللَّهِ	الكریم	..... شریف
پناه او	حِفْظِهِ	اسمى	..... نام من
دوست من	حَبِيبِي	سافرت	..... مسافرت کرده ای

## تمرین‌ها

لا تَفْعَلُونَ ..... انجام نمیدهید  
 اِعْمَلُوا ..... انجام دهید  
 صَالِحاً ..... نیک  
 اِنِّى ..... که من، زیرا من  
 بِمَا ..... به آنچه که  
 تَعْمَلُونَ ..... انجام می دهید  
 عَلِيمٌ ..... دانا  
 لَا تَجْعَلْنَا ..... ما را قرار نده  
 لَا تَنْتَظِرُوا ..... ننگرید  
 كَثْرَةً ..... زیادی  
 صَوْمٌ ..... روزه  
 اَنْظُرُوا ..... بنگرید  
 صَدِيقِ الْحَدِيثِ ..... راستگویی  
 اِداءً ..... به جا آوردن

كَمَلٌ ..... کامل کن  
 التَّالِيَةِ ..... زیر  
 وَاَجْعَلْ ..... قرار بده  
 لى ..... برای من  
 لِسَانٍ ..... زبان  
 صَدَقَ ..... راستی و نیک  
 الآخِرِينَ ..... آیندگان  
 يا ..... ای  
 الَّذِينَ ..... کسانی که  
 آمَنُوا ..... ایمان آوردید  
 لِمَ (لِ + ماذا) ..... برای چه، چرا  
 تَقُولُونَ ..... می گوئید  
 ما ..... آنچه را

هرگاه	اِذَا	رحم کن، مهربانی کن	اِرْحَمْ
فرومايگان	الاراذل	مهربانی کند	يَرْحَمْ
به فرمانروایی رسیدند	مَلَكٌ	.....	.....
شایستگان	الافاضل	بخوان	اِقْرَأْ
کاشت	زَرَعَ	مشخص کن	عَيِّنْ
دشمنی	العدوان	کار کن	اعْمَلْ
درو کرد	حَصَدَ	گویی تو	كَأَنَّكَ
زیان	الخسيران	زندگی می کنی	تَعِيشُ
اندک	قليل	می میری	تَمُوتُ
سود می رساند	يَنْفَعُ	فردا	غداً
کشنده	قاتل	نگاه کن، بنگر	اُنظُرْ
.....	.....	به آنچه	إِلَى مَا
ترجمه کن	تَرْجِمْ	نگاه نکن، ننگر	لَا تَنْظُرْ
بیان کن	أَذْكُرْ	به آنچه	إِلَى مَنْ



## ٢ الذَّرُّ الثَّانِي

### المَّوَاعِظُ العُدَدِيَّةُ

هرکس	مَنْ	پندها	المواعظ
یاد داد	عَلَّمَ	نمی آموزد آن را	لَا يَعْفُرُهُ
جاری کرد	أَجْرَى	رها نمی کند آن را	لَا يَتْرُكُهُ
حفر کرد	حَفَرَ	خودشان	أَنْفُسَهُمْ
چاهی	بَثَّرَ	همدیگر	بَعْضَهُمْ بَعْضًا
یا	أَوْ	جاری می شود	يَجْرِي
کاشت	غَرَسَ	پاداش آن ها	أَجْرُهُنَّ



آشکار شد	ظَهَرَتْ	ساخت	بَنَى
چشمه ها	يَنَابِع	به ارث گذاشت	وَرَّثَ
زبان	لِسَان	قرآنی	مُصْحَفًا
درد	الْوَجَعُ	به جا گذاشت	تَرَكَ
دشمنی	العَدَاوَة	طلب آموزش می کند	يَسْتَعْرِضُ
قسمت ها	أجزاء	صد	مئة
هرگاه	إذا	نگه داشت	أَمَسَكَ
راز می گویند	يَتَنَجَّسُونَ	به هم مهربانی می کنند	يَتَرَاحَمُونَ
		آفریده (ها)	الْخُلُقِ
		بس است	يكفی
		بخورید	كُلُوا
		جدا نشوید	لا تَفْرَقُوا
		بر شماست	عليكم
		مخلص شد	أَخْلَصَ

### حَوَارَاتِ

#### گفت و گوها

فرودگاه	مَطَار
شب به خیر	مساء الخير
دوست من	حبيبي
جنابعالی	حضرتك

پاکستان ..... مِضِیَاف ..... مهمان نواز

### التَّمَارِین

#### تمرین‌ها

پاکستان ..... کَم مَرَّة ..... چند بار (مره: بار)

جئتْ ..... آمدی

الأولی ..... اول

سیقولون ..... خواهند گفت

عمرک ..... سن تو

کَلْب ..... سگ

عاماً ..... سال

أَعْلَم ..... آگاهتر

أَی ..... کدام

عَدَّة ..... تعداد

مدینة ..... شهر

أَنتِ ..... به راستی من

محافظة ..... استان

رأیتهم ..... دیدم آن‌ها را

ما أَجْمَل ..... چه قدر زیباست

ساجدین ..... سجده می‌کردند (سجده‌کنندگان)

غابات ..... جنگل‌های

نَعْجَة ..... میش

کیف ..... چطور

لا تَتَّخِذُوا ..... انتخاب نکنید

وجدتْ ..... دیدی، (دریافتی)

الله ..... خدایی

الشَّعب ..... ملت

واحدٌ ..... یگانه

قرار دھید	ضَع	.....	.....	بیارورد (آورد)	جاء
اضافی	زائدتان	.....	.....	نیکی	حَسَنَةٌ
فرستادیم	أرسلنا	.....	.....	.....	.....
اقامت کرد، ماند	لَبِثَ	.....	.....	عملیات ریاضی	العملیات الحسابية
سال	عام	.....	.....	جمع	زائد
عالم دینی	فقیه	.....	.....	منها، کم کردن	ناقص
شدیدتر، سخت تر	أشدّ	.....	.....	تقسیم بر	تقسیم علی
اطاعت	الطاعة	.....	.....	ضرب در	ضرب فی
گناه	المعصية	.....	.....	مساوی است	يساوی
پرهیزکاری	الورع	.....	.....	هفته	أسبوع
.....	.....	.....	.....	برنده	الفائز
کم پولی	القلّة	.....	.....	طلائی	ذهبيّة
صبر	الحلم	.....	.....	نقره ای	فضيّة
خشم	الغضب	.....	.....	.....	.....

لا تَتَدَمَّنْ	.....	راستگویی
بشیمان نمی شوید		
سَيَمُضِي	.....	خوف
خواهد گذشت		
سَوْفَ يَقُومُ	.....	
خواهد ایستاد		
مَا وَضَعَتْ	.....	ما وضعو
نیفتاد		
كَانُوا يَقْدِفُونَ	.....	لا يَصِرُ خُونٌ
پرتاب می کردند		فریاد نمی زنند
طَلَبْتُ	.....	كَانَتْ تَنْصَحَانِ
می خواستم		نصیحت می کردند
لَا تَطْرُدُوا	.....	اِكْشِفُوا
از خود نرانید		آشکار کنید
.....		مَا عَلِمْنَا
		ندانستیم
هَلْ	.....	تَطْبَعِينَ
آیا		چاپ می کنی
تَعَلَّمُ	.....	لَا أُنْسِي
می دانی		فراموش نمی کنم
أَكْبَرَ	.....	سَتَنْزِلُونَ
بزرگترین		پایین خواهید آمد
تَعِيشُ	.....	وَصَلْتَنُ
زندگی می کند		رسیدید
غِرَامٌ	.....	لَا تَكْتُمُنَّ
گرم		پنهان نکن
يَقْدِرُ	.....	عَطَّرَتْ
می تواند		عطر زد



# الثالث الذئب الذئب

## مَطْرُ السَّمَكِ

مطر	باران	التَّلَج	برف
السَّمَك	ماهی	أَنْ تَرَى	بینم
تُصَدِّقُ	باور می کنی	تَنْظُنُّ	گمان می کنی
أَنْ تَرَى	بینی	أَنْ يَكُونَ	باشد
اسماكاً	ماهی های	لَيْسَ	نیست
تَسْأَقُطُ	می افتد	فَلَمَّا	فیلمی
نُزُول	بارش	حَسَنًا	بسیار خوب

مُصَوِّرٌ	تصاویر	يُلاحِظُ	مشاهده می کند
تُصَدِّقُ	باور کنی	رِيحٌ (رِيح)	باد
تُشَاهِدُ	مشاهده می کنی	تُصَبِّحُ	می شود
تُطْمِئِنُّ	می بارد	مَفْرُوشَةٌ	پوشیده
يُسَمَّى	می نامند	حَاوِلٌ	تلاش کرد
الظَّاهِرَةُ	پدیده	مَعْرِفَةٌ	شناخت
حَيَّرَتْ	مُتَحَيِّرٌ کرد	أرسلوا	فرستادند
ما وَجَدوا	نیافتند	فريقاً	تیمی
لها	برای آن	التَّعْرِفُ	شناختن
يَحْدُثُ	اتفاق می افتد	التي	که
سَنَوِيًّا	سالانه	الغريب	عجیب (شگفتی)
الوَسْطَى	مرکزی	أَنَّ	این که
مَرَّتَيْنِ	دوبار	المياه	آب ها
أحياناً	گاهی اوقات	المحيط	اقیانوس

میوه ها	الثَّمَرَات	دور است	يَبْعُدُ
ناامید شد	يَيْسَسَ	چیست	مَا هُوَ
<b>حوارات</b>		اتفاق می افتد	يَحْدُثُ
<b>گفت و گوها</b>		گردباد	اعصار
گذرنامه	الجوازات	می کشاند	يَسْحَبُ
پلیس	شرطی	قدرت	قُوَّةٍ
خوش آمدید	اهلاً و سهلاً	می برد آن ها را	يَأْخُذُهَا
کدام	أَيُّ	زمانی که	عندما
به ما افتخار دادید	شَرَّفْتُمُونَا	از دست می دهد	يَفْقَدُ
سپاس گزارم	أَشْكُرُ	جشن می گیرند	يَحْتَفِلُ
بزرگوار (سرور من)	سیدی	می نامند آن را	يُسَمُّونَهُ
صحبت می کنی	تَتَكَلَّمُ	جشنواره	مهرجان
خوب	جَيِّدًا	نازل کرد	أَنْزَلَ
		بیرون آورد	أَخْرَجَ

..... شکوفه ها (گل ها)	<b>الأزهار</b>	..... دوست دارم	<b>أحبُّ</b>
..... فیلم ها	<b>الأفلام</b>	..... چند	<b>كم</b>
..... منتقل می شود	<b>تَنْتَقِلُ</b>	..... همراهان	<b>المراقبين</b>
.....	.....	..... مهمان ها	<b>الضيوف</b>
..... معذرت نخواستند	<b>ما اعتذرَنَ</b>	..... کارت ها	<b>الطاقات</b>
..... بهره می برند	<b>يَنْتَفِعُونَ</b>	..... ورود	<b>الدخول</b>
..... نصیحت کنید	<b>انصَحُوا</b>	..... راست	<b>اليمين</b>
..... آموزش بخواه	<b>اسْتَعْفِرُ</b>	..... چپ	<b>اليسار</b>
..... می گُسترانید	<b>تَبْسُطُونَ</b>	..... به روی چشم	<b>على عيني</b>
..... فارغ التحصیل می شوی	<b>تَتَخَرَّجِينَ</b>	..... لطفاً	<b>رجاءً</b>
..... نمی خواند	<b>لا يقرأُ</b>	..... داستانان	<b>ايديكم</b>
..... (درخت) بکار	<b>اغرسى</b>	..... آماده	<b>جاهز</b>
..... جشن خواهیم گرفت	<b>سَأَحْتَفِلُ</b>	<b>التَّمارين</b>	
..... آموزش می خواهیم	<b>أستغفرُ</b>	<b>تمرین ها</b>	



دوری کن	وَاهْجُرْ	ملاحظه کردی	لَا حَظَّتْ
خواب	نِيَامٌ	فرستاده شد	اِنْبَعَثَ
بمیرند (مُردند)	مَاتُوا	سخن بگو	تَكَلَّمْ
بیدار می شوند (بیدار شوند)	اِنْتَبَهُوا	برنخاستند	مَا قَامُوا
زمین ها	البِقَاعِ	نیافتاد	مَا وَقَعَتْ
چهارپایان	الْبِهَائِمِ	کار خواهیم کرد	سَنَسْتَعْمَلُ
.....	.....	منتظر خواهید شد	سَوْفَ تَنْتَظِرُنَ
درس می خوانند	يُدْرُسُ	بیدار نشو	لَا تَنْتَبِهِي
زردآلو	مِشْمِشٍ	.....	.....
چشمه	عَيْنٍ	آمرزش خواستند	اسْتَعْفَرُوا
سرخسره، جوی پر آب	يَنْبُوعٍ	گناهان	ذُنُوبٍ
می خورند	يَأْكُلُ	می آموزد	يُغْفِرُ
خشک شده	مُجَفَّفَةً	منتظر باشید	اِنْتَظِرُوا
پیوسته	الْمُمْتَدِّ	با شما	مَعَكُمْ



## التَعَايِشُ السُّلْمَى

بدی .....	السَّيِّئَةُ	همزیستی .....	التَعَايِشُ
دفع کن .....	ادْفَعِ	مسالمت آمیز .....	السُّلْمَى
دشمنی .....	عداوةً	گذر .....	مَرٌّ
گرم و صمیمی .....	حَمِيمٍ	دوره ها .....	العُصُور
فرمان می دهد .....	يَأْمُرُ	استوار .....	قَائِمَةٌ
دشنام ندهند .....	لَا يُسَبِّحُوا	بدی .....	الاسَاءَةِ
می خوانند .....	يدعون	برابر نیست .....	لا تَسْتَوِي

تعالوا	بیایید	الحَقِيبَةُ	چمدان
سَوَاءٍ	یکسان	عَلَى عَيْنِي	به روی چشم
حُرِّيَّةٌ	آزادی	بَسِيطٌ	ساده
إِكْرَاهٍ	اجبار	لَا بَأْسَ	اشکالی ندارد
لَا يَجُوزُ	جایز نیست	لَمَنْ	برای کیست
الإِصْرَارُ	پافشاری	أُسْرَتِي	خانواده ام
الْخِلَافُ	اختلاف	إِفْتَحِي	باز کن
الْعُدْوَانُ	دشمنی	مَنْ فَضْلِكَ	لطفاً
<b>حوارات</b>		فُرْشَاةُ الْأَسْنَانِ	مسواک
<b>گفت و گوها</b>		الْمَعْجُونُ	خمیر دندان
صَالَةٌ	سالن	الْمِنْشَفَةُ	حوله
التَّفْتِيشُ	بازرسی	الْمَلَابِسُ	لباس ها
الْجَمَارِكُ	گمرک	الذِّكْرِيَاتُ	خاطرات
إِجْلِبِي	بگذار	الْحُبُوبُ	قُرص ها

آن	ذاك	آرام بخش	مُهَدِّتُهُ
مُزْدَوْر	الْعَمِيلُ	سر درد	صُدَاعُ
قِطْعَةُ زَمِينٍ	الْبُقْعَةُ	غیر مُجَاز	غیر مَسْمُوحَةٌ
اِقْيَانُوس	المُحِيطُ	نیاز دارم	اِنَابِحَاجَةٌ
وسيله ای	اِدَاةٌ		
دندان ها	الْأَسْنَانُ		
.....	.....		
ملت	الشَّعْبُ	کدام	أَيُّ
همراهی کن	تُمَاشِي	واژه نامه	المُعْجَمُ
معاف می کند	يَعْذِرُ	کشور	الْبِلَادُ
فهرست	قَائِمَةٌ	دستور می دهد	يَأْمُرُ
برتری	فَضْلٌ	نصیحت می کند	يَنْصَحُ
دارم	لَدَيَّ	آشنایی	تَعْرِفُ
به جای	مِنْ دُونِ	برخی	البعض
		نفع	المَصْلَحَةُ
		.....	.....

التَّمَارِينُ

تمرین ها